اقرأ

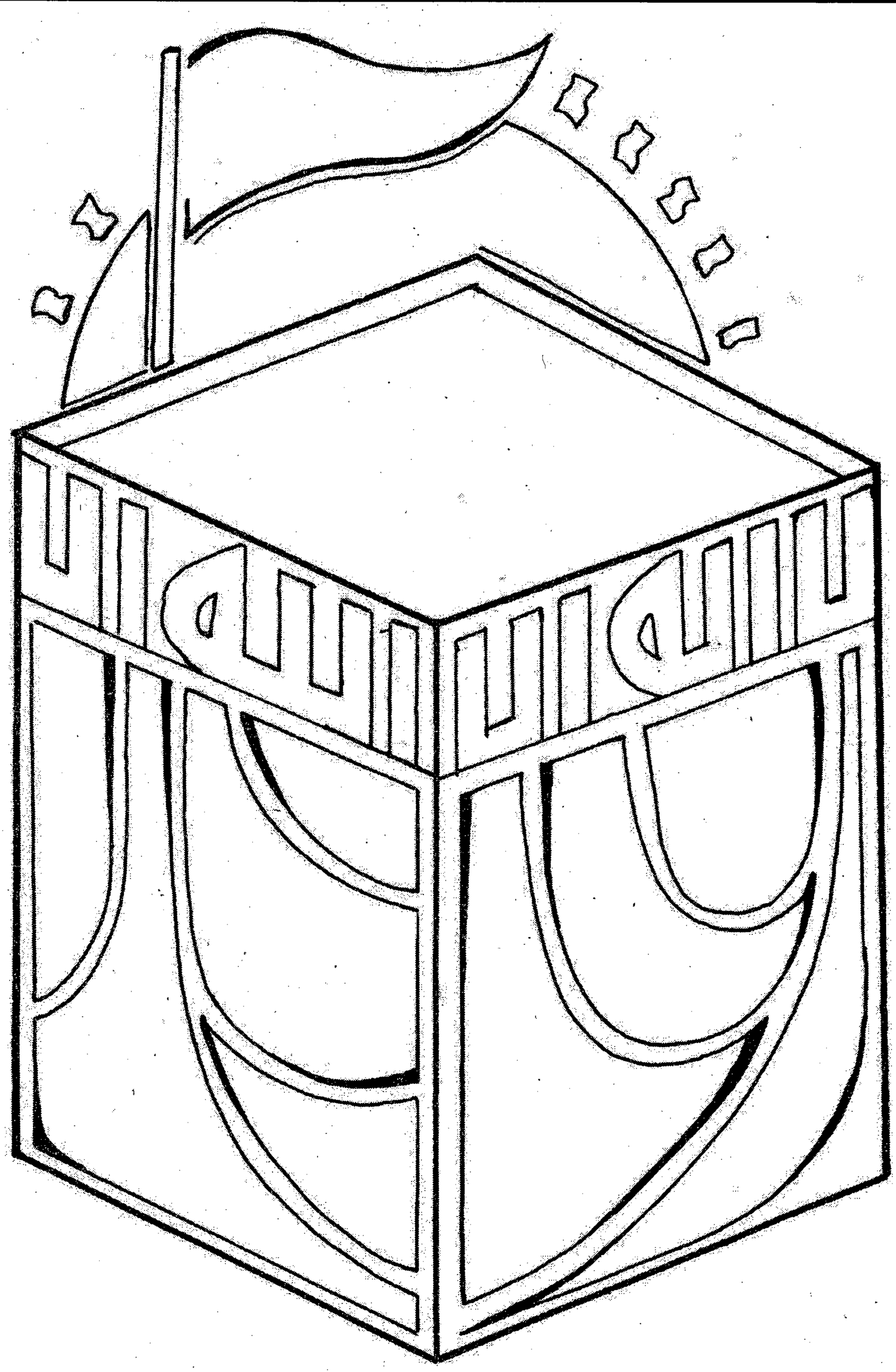

آقایان مهدی پور، آیت اللهی، بهروز لک، مشیری

نقد و نظر

نقد

در ذیل عنوان یاد شده، تنی چند از استادان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه و مسئولین فرهنگی، به چهار پرسش ذیل از پرسش‌های فصلنامه انتظار در رابطه با مهدویت پاسخ داده اند:

۱.تلقی شما از فرهنگ مهدویت چیست؟

۲. اهمیت فرهنگ مهدویت در چیست ؟

۳. جای چه عرصه هایی را در فرهنگ مهدویت خالی می بینید؟

۴. برای کاربردی کردن این فرهنگ در جامعه، چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

دانشوران شرکت کننده در اقتراح این شماره عبارتند از:

علی‌اکبر مهدی‌پور[۱] (محقق و نویسنده و کارشناس مباحث مهدویت)

دکتر محمدتقی آیت‌اللهی[۲] (استاد دانشگاه و محقق ونویسنده)

دکترغلامرضا بهروزلک[۳] (دکترای علوم سیاسی و استاد حوزه و دانشگاه)

مجتبی مشیری[۴] (مدیر سابق شبکه دو سیما و رییس مرکز تولید فیلم‌های انیمیشنی)

۱ انتظار: تلقی شما از فرهنگ مهدویت چیست؟

علی اکبر مهدی پور: فرهنگ مهدویت، دریای بیکران و اقیانوس بی‌ساحلی است که هر انسان وابسته به این فرهنگ، در حدّ دانش، بینش و پژوهش خود از آن تلقّی متفاوتی دارد، و اینک تلقّی این ناچیز از این فرهنگ گسترده:

۱. ما صاحبی داریم با این ویژگی‌ها:

- صاحبی که بر ما احاطهٔ علمی دارد و هیچ یک از اعمال ما، از نگاه نافذ و گستردهٔ او مستور نیست.
- صاحبی که اعمال ما آخر هر روز، هر هفته، هر ماه و هر سال به محضر او گزارش می‌شود.
- صاحبی که از اعمال نیک ما مسرور می‌شود و ما را دعا می کند.

● فرهنگ مهدویت: دریچه‌ای به جهان آینده، راه نجات از بن بست‌ها و مولّد نیروی حرکت به سوی آینده‌ای روشن است.
فرهنگ مهدویت؛ جبران کمبودها، رفع موانع و سکوی پرش به جهانی آباد و آزاد است.
فرهنگ مهدویت؛ فرهنگ اندیشه، روحیه، جوانه زدن، رویش، پویش، عشق، حرکت، طرح و عمل می‌باشد.

- صاحبی که از کردار زشت ما رنج می‌برد و از خداوند منان برای ما طلب آمرزش می‌کند.
- صاحبی که تنها به وسیلهٔ او اعمال ما بالا می‌رود.
- صاحبی که تنها با اعتقاد به او اعمال ما مورد پذیرش حق تعالی قرار می‌گیرد.
- صاحبی که همهٔ ابرقدرت‌ها در برابرش ناگزیر از تسلیمند.
- صاحبی که اگر او بخواهد، احدی قدرت ایذا و آزار و سیطره بر ما را ندارد.
- صاحبی که لحظه‌ای از یاد ما غافل نیست.
- صاحبی که سرانجام از سراپردهٔ غیبت بیرون آمده، کاخ ستمگران را بر سرشان فرو ریخته، بر ویرانهٔ کاخ‌های ستمگران، جهانی آباد، آزاد، بر اساس حق و بر معیارهای استوار، بنیاد کرده، هر ستمی را نابود و هر حقّی را جایگزین خواهد نمود.

۲. فرهنگ مهدویت؛ حرکت آفرین، امید آفرین، تلاش آور و نشاط آور است.

۳. فرهنگ مهدویت؛ یأس، نومیدی، خستگی، وازدگی و پوچ گرایی را می‌زداید.

۴. فرهنگ مهدویت؛ رابطهٔ مستحکم و استواری بر اساس «رابطهٔ ولایتی» بین انسان و مولایش ایجاد می‌کند.

۵. فرهنگ مهدویت؛ دریچه‌ای به جهان آینده، راه نجات از بن بست‌ها و مولّد نیروی حرکت به سوی آینده‌ای روشن است.

۶. فرهنگ مهدویت؛ جبران کمبودها، رفع موانع و سکوی پرش به جهانی آباد و آزاد است.

۷. فرهنگ مهدویت؛ فرهنگ اندیشه، روحیه، جوانه زدن، رویش، پویش، عشق، حرکت، طرح و عمل می‌باشد.

۸. فرهنگ مهدویت؛ تلاش، کوشش، شتاب، شناخت، اعتدال و پای فشردن در عمل است.

۹. فرهنگ مهدویت؛ بی‌اعتنایی به قدرت‌های اهریمنی، قطع رابطه از طاغوت‌ها و ترک

اعمال زشت و ناپسند است.

۱۰. فرهنگ مهدویت؛ اصلاح خویشتن، آمادگی برای ایثار و تسلیمِ فرمان مولا بودن است.

دکترسید محمد تقی آیت اللهی: مجموعه‌ای از آیین‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، مدیریتی، معرفتی و فقهی که پیامبر اکرم(ص) بر پایه وحی الهی برای هدایت انسان به ارمغان آورده و در طی دو قرن و نیم امامت اوصیای بر حق او که عالمان ربانی و منصوص الهی‌اند، تبیین و تفسیر و تشریح شده است و به وجود مقدس نورانی حضرت ولی عصر(عج) منتهی می‌گردد و در دوران تقریباً هفتاد ساله غیبت صغری از طریق سفیران چهارگانه آن حضرت با هدایت و رهبری آن ذخیره عدل الهی جریان می‌یابد، فرهنگ مهدویت را شکل می‌بخشد. عناصر، ابعاد و مؤلفه‌های این فرهنگ متعالی را که نوید بخش نظم عادلانه جهانی است، معصومین چهارده‌گانه مشخص فرموده‌اند. ایشان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و با توجه به استعدادهای گوناگون اشخاص و متناسب با این عناصر، ابعاد و مؤلفه‌های آن را آموزش داده و تعمیق بخشیده‌اند و آن را از پدیده‌های افراطی و تفریطی منزه و مصون ساخته و فرهنگی متعالی و متعادل را پدید آورده‌اند. بنای عظیم این فرهنگ به ویژه در فرصت پدیدار شده در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) گسترش یافته و زمینه توسعه آینده آن فراهم گردیده است.

سرفصل مباحث و ابعاد گوناگون و در عین حال هماهنگ و منسجم آن در ادعیه و زیارات مربوط به حضرت ولی عصر(عج) با زیبایی و ژرف‌نگری و جامعیت بی‌نظیری مطرح گردیده و پیوندی جاودانی را با آن وجود مقدس که نهایت آرزوی همه انبیا و اولیای الهی است مشخص می‌سازد. این فرهنگ ترکیبی منسجم و بی‌همتا از عشق و شعور و آگاهی را فراهم می‌آورد و به قول فریدالدین عطار نیشابوری، عارف بزرگ در کتاب مظهرالعجائب فی اثبات ولایت علی بن ابیطالب(ع)؛

صدهزاران اولیا رو بر زمین
از خدا خواهند مهدی(عج) را یقین
یا الهی مهدی(عج) از غیبت در آر
تا جهان عدل گردد آشکار
مهدی(عج) و هادی و تاج انبیا
بهترین خلق و برج اولیا
ای به هر قرنی تو پیدا آمده
وی به هر قرنی نو پیدا آمده
ای ولای تو معین آمده
بر دل و بر جان روشن آمده
ای تو ختم اولیا اندر جهان
در همه جان‌ها نهان چون جان جان

من ولای تو به جان کردم قبول
زان که هستی این زمان نور رسول
آن چه من دیدم همه دید تو بود
و آن چه من کردم زتقلید تو بود
ای تو هم پیدا و پنهان آمده
بنده عطارت ثناخوان آمده
عاشقان راعشق تو کردست مست
عارفان راجام عرفان ده به دست
ای تو هم معشوق و هم عشق الست
عشق تو بُردست خود مارازدست
دست ما و دامن تو ای امیر
این فقیر مبتلا را دست گیر
من پناه خود به تو آورده‌ام
حبّ تو با شیر مادر خورده‌ام
هر که او شرک آورد در دین تو
مست گردد عاقبت از کین تو
هر که را حب تو باشد پیشوا
خلق را باشد یقین او رهنما

و در نتیجه فرهنگ مهدویت، روش، منش، کنش، نگرش و بینش حضرت مهدی(عج) را تشکیل می‌دهد.

غلامرضا بهروز لک: فرهنگ، مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رسوم و سنت‌ها و شعائر و اعمال خاص پذیرفته شده در یک جامعه را در بر می‌گیرد. فرهنگ مهدویت نیز، به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به ظهور منجی موعود از سلاله پاک پیامبر اسلام(ص) اطلاق می‌شود. از این حیث فرهنگ مهدویت ریشه در تاریخ بشریت دارد. همه ادیان الهی از همان آغاز، منادی ظهور منجی موعود بوده‌اند. از آن‌جا که نگرش ادیان به تاریخ تحول خطی و سرانجام نیک برای انسان و جهان و تحقق وعده الهی بوده است، پیامبران آسمانی فرا رسیدن عصری طلایی را که تحقّق بخش وعده الهی باشد، همواره خبر داده‌اند. در اسلام نیز، آموزه مهدویت و به پیروی از آن، فرهنگ شکل گرفته بر اساس آن نیز قدمتی هم‌پای ظهور اسلام دارد. مؤمنان همواره به فرا رسیدن چنین عصری بشارت داده می‌شدند.

از این رو محور اساسی فرهنگ مهدوی را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست. هرگونه نگرش، هنجار و سنت‌ها و شعائر خاصی که در یک جامعه حول چنین اعتقادی شکل می‌گیرد، می‌تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد. عنصر کانونی چنین فرهنگی همان منجی موعود می‌باشد.

مهدویت در زمانه ما که عصر امام زمان و عصر منجی غایب است، کار ویژه اساسی در تعریف هویت ما دارد. هویت معنای زندگی است. هویت کیستی شخص است که لحظه به لحظه با او هم‌نشین و از او جداناپذیر است.

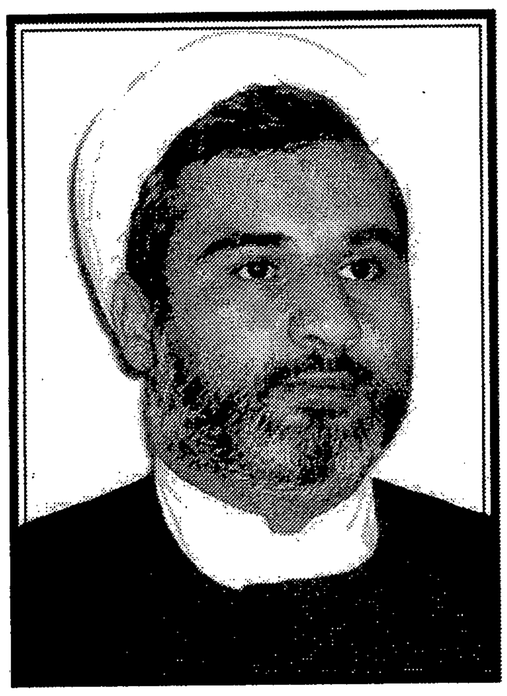

البته باید توجه داشت که فرهنگ مهدویت را می‌توان به فرهنگ اصیل و فرهنگ منحرف شده تقسیم کرد. اگر معیار فرهنگ مهدویت شخص منجی است، حقیقت فرهنگ مهدوی نیز با منجی واقعی محقق می‌شود. اما همان‌طور که در تاریخ نیز بسیار اتفاق افتاده است، مدعیان دروغین یا متمهدیانی نیز ظهور کرده‌اند و خواسته‌اند از چنین فرصتی سوء استفاده کنند. بر خلاف چنین ادعاهای دروغینی، فرهنگ اصیل مهدویت به تقدیر الهی و همت عالمان و بیدارگران وارسته در طول تاریخ حفظ و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. در تفکر شیعی نیز چنان‌که در مطالب آینده توضیح خواهم داد، فرهنگ مهدوی جایگاه ارزشمند و بنیادینی یافته و هویت بخش تفکر شیعی شده است.

نمود فرهنگ مهدوی در یک جامعه را می‌توان امید فرج در آن جامعه دانست. جامعه‌ای که فرهنگ مهدوی را برگزیده است، هرگز دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود. در بحرانی‌ترین شرایط همواره امیدی وجود دارد که مشکلات و بحران‌ها پشت سر گذاشته شود و عصر طلایی فرا رسد. البته امید فرج در ادیان و مذاهب هرچند اصلی بنیادین است، اما مقوله‌ای تشکیکی بوده و دارای شدت و ضعف می‌باشد. بدین معنا که چگونگی نگرش به تحقق فرج در ادیان و حتی در مذاهب درون یک دین، بر خلاف اشتراک در ایمان به اصل تحقق فرج، متفاوت می‌باشد. از این جهت فرهنگ مهدوی در تشیع از تمامی دیگر ادیان و مذاهب متمایز و برجسته است.

در دیگر فرهنگ‌ها، گاه امید به تحقق فرج به رغم اصالت آن، در افقی دور و مبهم قرار می‌گیرد. فرد دچار بحران و مشکل نمی‌داند که آیا چنین فرجی زمان حیات او را نیز در برخواهد گرفت یا امیدی است که در آینده پس از وی محقق خواهد شد، اما در فرهنگ شیعی دو عنصر

نمود فرهنگ مهدوی در یک جامعه را می‌توان امید فرج در آن جامعه دانست. جامعه‌ای که فرهنگ مهدوی را برگزیده است، هرگز دچار یأس و ناامیدی نمی‌شود. در بحرانی‌ترین شرایط همواره امیدی وجود دارد که مشکلات و بحران‌ها پشت سر گذاشته شود و عصر طلایی فرا رسد. البته امید فرج در ادیان و مذاهب هرچند اصلی بنیادین است، اما مقوله‌ای تشکیکی بوده و دارای شدت و ضعف می‌باشد.

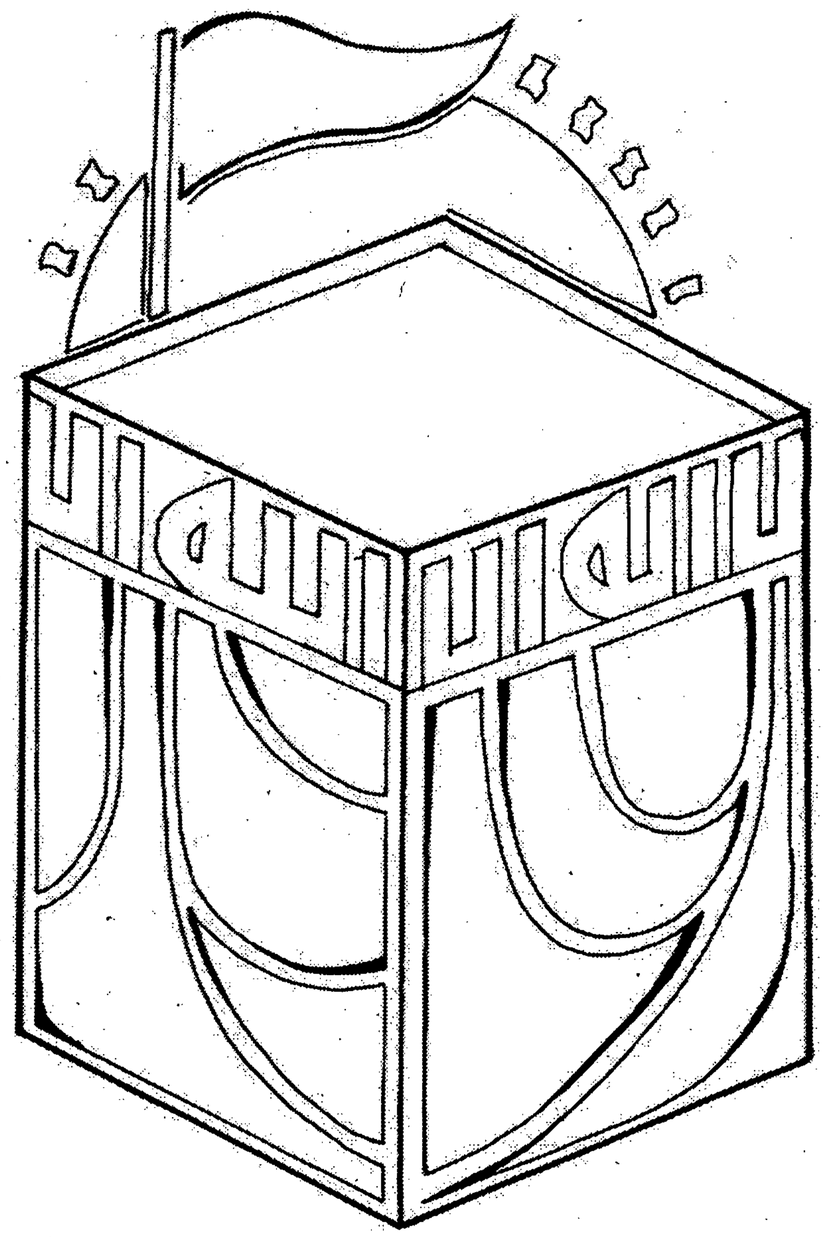

وجود دارد که انسان گرفتار را همواره امیدوار نگه می‌دارد که در زندگانی خود مشمول فرج خواهد بود. عنصر نخست را می‌توان در آموزه اعتقادی حضور و وجود منجی در افق زمانی مشترک با فرد گرفتار دانست. ضرورت حضور امام در هر عصری یکی از آموزه‌های اساسی شیعی می‌باشد. زمان بدون امام متصور نیست. امام است که رکن اساسی هستی این جهانی تلقی می‌شود و بدون وی در مشیت الهی، جهان فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهد. امام، خلیفه و حجت خدا بر روی زمین است و هرگز زمین خالی از حجت نمی‌ماند. حال چنین حجتی یا ظاهر است یا غایب. تفاوت در همین جا است که در تفکر شیعی، چنین حجتی همواره حاضر و موجود است، هر چند به صورت غایب از چشم ناظر. به عبارت دیگر به صورت حاضر ناظر بر حال فرد گرفتار، هر چند خود فرد گرفتار و مشتاق، چنین حضوری را به عیان مشاهده نکند، ولی بدان اعتقادی عمیق دارد. یک مؤمن شیعی نمی‌تواند بدون احساس وجود و حضور امام زندگی کند، هر چند توفیق دیدار او را نیز نداشته باشد. پس اعتقاد به حضور منجی در افق زمانی فرد گرفتار امید فرج را مضاعف می‌سازد. بر همین اساس است که یک مؤمن شیعی با ندای «یا اباصالح اغثنی» در درون وجود خویش امید آن را دارد که در صورت صلاحدید مولای خویش حاجتش روا شود. چنین ویژگی را نمی‌توان در جای دیگر یافت و تنها به شیعیان اختصاص دارد.

عنصر دوم نیز آموزه رجعت در فرهنگ مهدویت شیعی است. این امر مؤمن منتظر را امیدوارتر می‌سازد که حتی اگر عمر او به سر آید و مراد خویش را در آغوش نکشد و خود به عیان در طول عمر خویش شاهد جمال ظهور فرج نباشد، با رجعت پس از مرگ خویش می‌تواند در هنگام ظهور شاهد فرج باشد. این آموزه نیز به شیعیان اختصاص دارد و امید آنان را به فرج افزایش می‌دهد.

فرهنگ مهدوی در یک جامعه در عرصه‌های مختلفی نمود می‌یابد. غیر از مسئله امید فرج نمودهای فرهنگ مهدوی را می‌توان در رفتار فردی و اجتماعی نیز مشاهده کرد. منتظر واقعی کسی است که به جامعه فاسد زمانه خویش دل نمی‌بندد و اگر انحراف و کژی ببیند اعتراض می‌کند و با پیروی از سیره مولا و محبوب خویش در صدد اصلاح بر می‌آید. وی در صدد گسترش عدل و داد است، تواصی به حق و صبر می‌کند؛ در محفل‌های دوستانه و جمعی نام منجی را بزرگ می‌دارد و همه را به آن فرا می‌خواند و در رفتار فردی و اجتماعی سعی می‌کند با توجه به اعتقاد به حضور و نظارت امام خویش هماره بر سیره حق پای فشارد و خطا نکند.

مجتبی مشیری: فرهنگ مهدویت پیام آور بیداری و آگاهی امت بزرگ اسلام و زمینه ساز درک عزیزانهٔ آدمی از حیات طیبه و از حقیقت وجود است. فرهنگ مهدویت مردمی‌ترین فرهنگ بشری است. در پرتو این فرهنگ امید به کاستن از رنج محرومان، آزادی مظلومان و برقراری عدالت اجتماعی همواره طنین انداز قلب‌های مشتاق و علاقه‌مند به حضرت مهدی(عج) است.

۲ انتظار: اهمیت فرهنگ مهدویت در چیست؟

علی اکبر مهدی پور: نقاط عطف و حساس در فرهنگ مهدویت بسیار فراوان است، که از آن جمله است:

۱. ترسیم آینده‌ای روشن، به دور از هر گونه ابهام در پهندشت جهان هستی، براساس عدالت و آزادی، بدون هیچ نقطهٔ تاریک.

۲. کسب هویّت و رهایی از بی‌هویّتی حاکم بر اکثر انسان‌های زمان.

۳. تسلیم حق بودن و بی‌اعتنایی به زر و زور و تزویر، با اعتقاد به مولایی مقتدر، آگاه و مهربان.

۴. ترک گناه به خاطر مولای مهربانی که از اعمال زشت ما رنج می‌برد.

۵. تلاش در عبادات و اطاعات، به خاطر یوسف زهرا، که از مشاهدهٔ اعمال نیک ما بر لبان مبارکش تبسمی نقش می‌بندد.

۶. دسترسی به الگوی انسان کامل، پیشوای معصوم و مبرّا از هرگونه خطا و لغزش.

۷. شناخت راه، تحصیل انگیزه، تعیین جهت و توفیق عمل.

۸. تبدیل حسنات به صالحات و ایجاد حُسن فعلی و فاعلی در مقام عمل.

۹. رهایی از تنهایی و پیوستن به خیل منتظران، انتظاری سازنده، کاروانی تلاشگر، در راهی روشن، با گام‌هایی استوار، به سوی هدف مشخص، با ضوابط تعیین شده.

۱۰. پاسخ مثبت به فراخوان انبیا، اولیا، امامان معصوم، کتب آسمانی، به ویژه قرآن کریم، در آیاتی چون:

﴿فانتظروا، انّی معکم من المنتظرین﴾[۱]

منتظر باشید، که من ـ پیامبر ـ نیز به همراه شما از منتظرانم.

دکترسید محمد تقی آیت اللهی: فرهنگ مهدویت نقش پیش‌گیری بنیادی از تهاجم و شبیخون فرهنگی را ایفا می‌کند و فعالانه در آماده سازی جامعه انسانی برای تحقق «جامعه مهدوی» تأثیرگذار است، به ارزشیابی دوباره زندگی تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر حاضر می‌پردازد، تعهد به اهداف امام عصر(عج) و عشق آگاهانه به او را معنی می‌دهد و ولایت او را تنها معیار قضاوت ایمان حقیقی می‌داند. قلوب همه دردمندانی که ظالمانه در نظام‌های حاکم محروم شده‌اند را تسخیر کرده و نقطه الهام آن‌ها می‌گردد. این فرهنگ زیربنای ایجاد نظم عادلانه جهانی را در پرتو رهبری موفق انسان کامل معصومی که از نسل پاک سرور شهیدان امام حسین(ع) بوده، فراهم می‌کند و جامعه‌ای صالح، پر نشاط، برخوردار از سلامت معنوی، هوشیار و آماده برای ظهور منجی موعود جهانی انتهای تاریخ می‌سازد. جامعه‌ای که عناصر آن سائسٌ باللیل و سیاحٌ بالنهاراند و روز و شب را به برنامه‌ریزی فعال برای جامعه بهتر و تلاش در زندگی موفق‌تر طی می‌کنند،

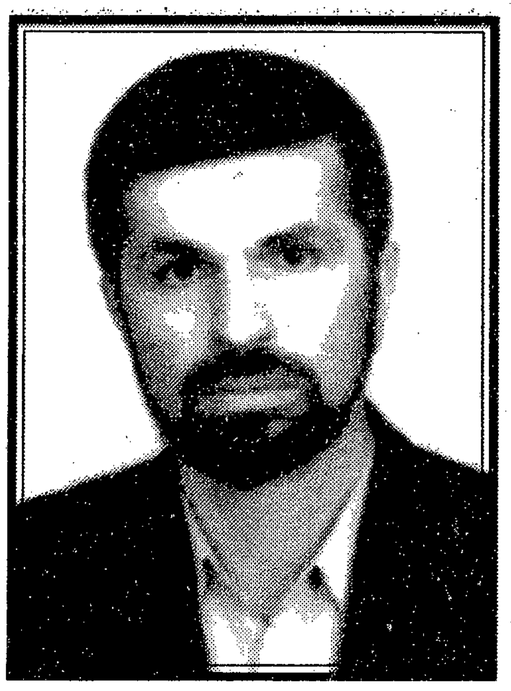

نقطه توجه آن‌ها ساحت مقدس امام عصر ـ ارواحنالتراب مقدمه الفدا ـ است و در واقع همیشه خود را در محضر او نگریسته و او را ناظر بر اعمال خود و حاضر در جامعه می‌دانند. آنان به کسب رضای او، که کسب رضای خدای عالم است در تلاشند و نغمه لسان الغیب حافظ شیرازی را به گوش جان نیوشیده‌اند که:

هر گز حدیث حاضر غایب شنیده‌ای
من در میان جمع و دلم جای دیگرست

فرهنگ مهدویت جامعه را در برابر تمام بیماری‌های معنوی بیمه می‌کند، کینه نظام‌های

فرهنگ مهدویت نقش پیش‌گیری بنیادی از تهاجم و شبیخون فرهنگی را ایفا می‌کند و فعالانه در آماده سازی جامعه انسانی برای تحقق «جامعه مهدوی» تأثیرگذار است، به ارزشیابی دوباره زندگی تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عصر حاضر می‌پردازد، تعهد به اهداف امام عصر(عج) و عشق آگاهانه به او را معنی می‌دهد و ولایت او را تنها معیار قضاوت ایمان حقیقی می‌داند.

ستم‌گر را در سینه‌ها می‌نشاند، راه مقاومت و ایستادگی در برابر آنان را در دل تقویت می‌کند، با هر نظم ناعادلانه‌ای در ستیز است و با نُدبه عاشقانه و آگاهانه خود در پی زمینه سازی ظهور آن یار غایب از نظر است. عصاره این فرهنگ مهدی دوستان را یاری می‌کند تا شرایط بسیار دشوار را تحمل کنند و امید نجات‌بخشی را در زمان رجعت مهدی(عج) انتظار کشند. به راستی که معرفت این امام رستگاری انسان را تأمین می‌کند.

غلامرضا بهروزلک: اهمیت فرهنگ مهدویّت را می‌توان در هویت بخشی به یک فرد و جامعه دانست. جامعه‌ای که به آینده اعتقاد دارد و بر آن باور است که عصری دگر فرا خواهد رسید که متفاوت از وضع موجود است، از نقص‌ها بر کنار است و به اصطلاح مدینه فاضله معیار دارد، می‌تواند زندگی امروز خود را نیز بر اساس مدل کامل سازمان دهد. به بیان دیگر او الگویی از وضع مطلوب دارد و هماره موقعیت و منزلت خود را با آن می‌سنجد.

فراتر از این تصویر وضع مطلوب که در تمامی ادیان آسمانی وجود دارد، در فرهنگ شیعی مهدویت بار خاصی دارد. مهدویت در زمانه ما که عصر امام زمان و عصر منجی غایب است، کار ویژه اساسی در تعریف هویت ما دارد. هویت معنای زندگی است. هویت کیستی شخص است که لحظه به لحظه با او هم‌نشین و از او جداناپذیر است. از این جهت، هویت یک شیعی با امام زمان خویش تعریف می‌شود. بیان معجزه آسای کلام نبوی این‌جاست که معنایی کامل می‌یابد: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة». در مکتب شیعی امام هویت بخش است و آن را از جامعه جاهلی و عصر جاهلی جدا می‌سازد. پس در زمانه ما نیز که امام ما همان مهدی موعود است، او نه جدا از وجود ما، بلکه بخشی از وجود ما شیعیان است. هر گونه غفلت ما از مهدی منتظر(عج) مساوی غفلت از خویشتن خودمان خواهد بود. بی وجود او ما گم‌شده‌ای بیش نخواهیم بود. از گفته‌های پیشین این نتیجه را می‌خواهیم بگیریم که اهمیت فرهنگ مهدویت در یک جامعه شیعی نقش هویت بخش و کانونی آن در زندگی ما می‌باشد. ما بدون مهدی هیچیم و گم‌شده‌ای بیش نیستیم.

بی وجود مهدی، ما مصداق ﴿نسوا اللّه فانسیهم انفسهم﴾ خواهیم بود. طبق روایات شیعی معرفت ما نسبت به خدا نیز بدون معرفت به حجت او تحقق نخواهد یافت.

اهمیت هویت بخشی، یک اهمیت ذاتی است و مقوم و سازنده وجود ماست. اهمیت فرهنگ مهدوی را می‌توان از جهات دیگری که عمدتاً صبغه کارکردی دارند، نیز مطرح کرد. البته باید توجه داشت که چنین کارکردهایی اهمیتی ثانوی می‌یابند ولی شاید بتوان گفت کارکردها جدا از عنصر هویت بخشی نیستند، هر چند ما گاه دچار غفلت می‌شویم و از اصل اهمیت ذاتی چشم می‌پوشیم و مشغول لوازم و فروع می‌شویم.

مهم‌ترین اهمیت‌های کارکردی فرهنگ مهدویت را می‌توانیم در موارد زیر خلاصه کنیم.

اولین مورد، ایجاد نشاط و امید در یک جامعه است؛ جامعه دارای فرهنگ مهدوی هرگز پژمرده و دچار روزمرگی و یأس نمی‌شود؛ زیرا این جامعه امید دارد، آینده نگر است، گذشته و حال نمی‌تواند او را در چنگال خود اسیر کند. مورد دیگر داشتن الگوی عمل است؛ انسان مهدی باور هر گاه به برخی امور شک نماید یا با ابهامی مواجه شود، علاوه بر معیاری در پشت سر که رفتار معصومان گذشته است، معیاری نیز در آینده دارد. به عنوان مثال اگر با تهاجم برخی افکار و اندیشه‌ها در برقراری و تأسیس جامعه اسلامی و نظام اسلامی به شک افتد، مهدویت و مدینه فاضله مهدوی می‌تواند معیار او باشد.

در دوران کنونی که حکومت اسلامی بر پایهٔ قوانین دینی محقق شده است، این امر می‌تواند الگوی دوران ما نیز قرار گیرد و ما را به همراه ادله دیگر به ضرورت تأسیس جامعه و نظام اسلامی رهنمون سازد. کارکرد دیگر فرهنگ مهدوی را باید عدالت‌گرایی در جامعه دانست. جامعه‌ای که به فرهنگ مهدویت اعتقاد دارد خود می‌بایست عدالت را در جامعه خود برقرار کند.

مجتبی مشیری: اهمیت این فرهنگ در زمینه‌های زیر بروز بیش‌تر دارد:

الف) تقویت انگیزهٔ توحیدی و مکتبی؛

ب) تقویت روحیهٔ مبارزه‌جویی بی‌امان با ظلم و استکبار؛

پ) خودباوری و خداباوری و قطع وابستگی به دشمنان؛

ت) توسعه عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان؛

ث) مراقبت‌های اخلاقی و در نتیجه تطهیر نفوس و تنویر عقول؛

ج) گسترش الفت و تعاون و اتحاد بین انسان‌ها؛

چ) هدف‌مند شدن زندگی اجتماعی و فردی؛

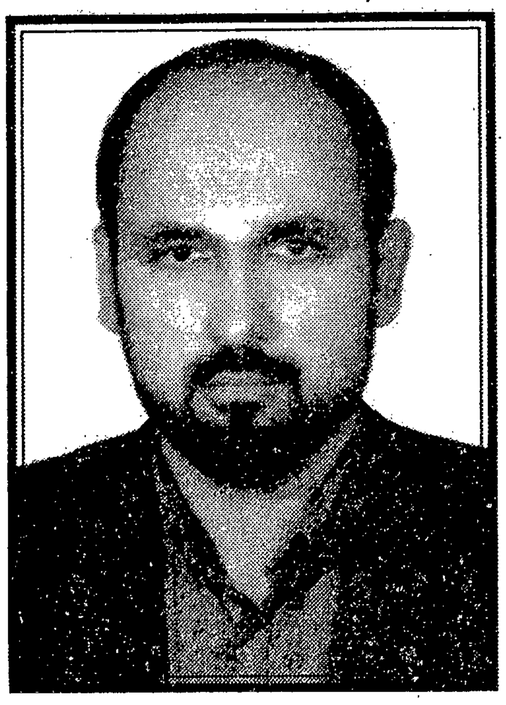

فرهنگ مهدویت مردمی‌ترین فرهنگ بشری است. در پرتو این فرهنگ امید به کاستن از رنج محرومان، آزادی مظلومان و برقراری عدالت اجتماعی همواره طنین انداز قلب‌های مشتاق و علاقه‌مند به حضرت مهدی(عج) است.

ح) تقویت روحیهٔ مثبت اندیشی و امید به آینده‌ای روشن و طلوع دوبارهٔ فجر اسلام.

۳ انتظار: جای چه عرصه هایی را در زمینه مهدویت خالی می بینید؟

علی اکبر مهدی پور: علیرغم تلاش فراوان از سوی عالمان درد آشنا، عرصه‌های فراوانی در زمینهٔ مهدویت وجود دارد که تحقیق لازم انجام نگرفته و پاسخ به روز و کامل در دست رس علاقه‌مندان قرار نگرفته است، که از آن جمله است:

۱. نوّاب اربعه؛
۲. توقیعات؛
۳. داشتن همسر و فرزندان حضرت؛
۴. اثبات علمی امکان دیرزیستی انسان تا هزاران سال؛
۵. فرق ظهور در ۲۳ رمضان و قیام جهانی در روز عاشورا؛
۶. تبیین نشانه‌های حتمی؛
۷. تحقیق در مورد آن‌چه از نشانه‌های غیر حتمی واقع شده است؛
۸. آیا حضرت بقیةالله وقت ظهور را می‌داند؟
۹. آیا حضرت به شهادت می‌رسد؟
۱۰. مدت فرمانروایی حضرت؛
۱۱. چگونگی سیطره بر جهان، بدون استفاده از ابزار کشتار جمعی؛
۱۲. تبیین خراسانی، حسنی، حسینی و هاشمی؛
۱۳. تبیین جایگاه خراسانی؛
۱۴. درباره رجعت؛
۱۵. اثبات تحریف حدیث: «اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛

۱۶. اثبات تحریف حدیث: «لامهدی الا عیسی»؛
۱۷. اثبات تحریف حدیث: «فیقتل الرجال و یبقر بطون الحبالی»؛
۱۸. اثبات علمی احادیث مجعول دربارهٔ خونریزی و تشویه سیمای ملکوتی آن حضرت؛
۱۹. اثبات علمی احادیث مربوط به این که سیرهٔ آن حضرت همان سیرهٔ رأفت و عطوفت رسول اکرم(ص) و همان سیرهٔ عفو و گذشت مولای متقیان است؛
۲۰. اثبات علمی مجعول بودن احادیثی که از سوی صوفیه علیه فقهای شیعه جعل شده، از قبیل: «لولا السیف بیده لأفتی الفقهاء بقتله»؛
۲۱. اثبات مجعول بودن شهادت آن حضرت به وسیلهٔ زن ریش داری به نام سعیده، به وسیلهٔ پرتاب سنگ آسیا؛
۲۲. ردّ مهدویت نوعی و اثبات مهدویت شخصی؛
۲۳. گردآوری متون گفتار بزرگان اهل سنت و اعتراف آن‌ها که مهدی موعود فرزند بلافصل حضرت امام حسن عسکری(ع) می‌باشد؛
۲۴. جمع آوری منابع حدیث: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» از کتب حدیثی اهل سنت؛
۲۵. گردآوری منابع حدیث: «من انکر المهدی فقد کذّب بما جاء به النبّی» از منابع حدیثی عامه؛
۲۶. معرفی آثاری که از بزرگان اهل سنت دربارهٔ آن حضرت چاپ و منتشر شده؛
۲۷. گردآوری احادیث مربوط به حضرت بقیةالله ارواحنافداه، در کتب تألیف شده پیش از ولادت آن حضرت، همانند: المصنفِ ابن ابی شیبه، عبدالرزّاق صنعانی و مسند احمد حنبل؛
۲۸. گردآوری منابع: «الخلفاء اثنا عشر، کلهم من قریش» و ردّ علمی توجیهات غیر موجّه در تطبیق آن به خلفای بنی امیه و بنی عباس؛
۲۹. نشر کتاب‌نامه‌های توصیفی، با تبیین و مرزبندی آثار مطبوع با مخاطب‌های مختلف؛
۳۰. تأسیس مراکز نشر، با التزام به نشر آثار مفید دربارهٔ حضرت بقیةالله(عج).

دکتر محمدتقی آیت‌اللهی: در جامعه فعلی در زمینه مهدویت در سه زمینه عمده زیر عرصه را خالی می‌بینیم؛

الف) دایرةالمعارف جامع مهدویت

تدوین دایرةالمعارف جامع مهدویت که تمام داده‌های صحیح، قابل اعتماد و معتبر مهدویت را به صورتی منقح، جامع، ژرف و روش‌مند فراهم آورد و با زیبایی و هنرمندی و متناسب و منطبق با موازین تعیین شده توسط شخص اول عالم وجود حضرت خاتم النبیین(ص) باشد، ضرورت جدّی زمان

ماست. دانش امروز، وجود معیاری طلایی را برای سنجش اعتمادپذیری اندازه‌ها و مقیاس‌ها لازم می‌داند (معیار طلایی میزانی خطاناپذیر است) نیاز به وجود چنین میزان خطا ناپذیری در سنجش‌ها را پیش از آن‌که علم امروز مطرح سازد، وجود مقدس رسول اکرم(ص) مطرح فرموده بود و آن را به صورت دو گوهر گران‌بهای تفکیک ناشدنی در امت خود به ودیعه نهاد و از آن به ثقلین (کتاب اللّه و عترتی) تعبیر فرمود که با کمال تأسف از همان آغاز مورد غفلت قرار گرفت. این دو معیار طلایی خطاناپذیر ملاک سنجش داده‌های مربوط به مهدویت(عج) است که خود، خاتم عترت و کتاب اللّه الناطق است. چنین دایرةالمعارفی تلاش‌های مخلصانه و خردمندانه همه فرهیختگانی که حتی قبل از ولادت مسعود آخرین ذخیره عدل الهی شروع شد و تا امروز هم به برکت خیر فزاینده فرزند کوثر مهدی موعود(عج) ادامه دارد و هر روز جلوه‌ای از نور مبارک سیمای او را باز می‌تاباند را ارج می‌نهد و در عین حال به صورت روش‌مند همه را خلاصه سازی، طبقه‌بندی و متناسب با نیازهای زمان و مکان تفسیر و تشریح می‌نماید. انجام این مهم به توکل به ذات باری و توسل به ساحت مقدس حضرت ولی عصر(عج) مدیریتی قوی نیاز دارد و همت دانشمندان فرهیخته عاشق منجی اسلام را می‌طلبد و با سرمایه بزرگ علمی که در جهان تشیع مشهود است این مهم در محدوده زمانی سه تا پنج ساله، شدنی است. این کار قطعاً باید به صورت اقدام بزرگ گروهی پژوهشی باشد.

تدوین این دایرةالمعارف با توجه به شوقی که به ویژه در ربع قرن اخیر در جهان در موضوع فرهنگ و معارف مهدوی به وجود آمده، خود حرکت علمی ـ پژوهشی بدیعی است که عطش نسل نو و جوان را فرو می‌نشاند، آن‌ها را از اقیانوس معرفت مهدوی سیراب می‌سازد، در عمومی سازی فرهنگ مهدویت بر اساس داده‌های معتبر و اعتمادپذیر نقش اساسی را ایفا می‌نماید و از طرح مباحث دروغین و سست که بزرگ‌ترین آسیب را بر پیکره بنیاد اعتقادی فرهنگی جوانان می‌زند، پیش‌گیری می‌کند.

ب) تخصصی‌سازی آموزه‌های مهدویت

با وجود این که در حوزه سلامت جسمانی، امور به صورت تخصصی و فوق تخصصی در آمده؛ مثلاً در نظام پزشکی و درمانی و سلامت، تخصص‌های مختلف وجود دارد، در حوزه تخصص سلامت معنوی، این امر مهم مورد غفلت قرار گرفته است و برای عموم این تصور حاصل شده که هر یک از مبلغان دین و علمای ابرار در هر زمینه‌ای به صورت تخصصی و عمیق باید در مباحث دینی وارد باشند. حوزه وسیع و دامنه‌دار مباحث دینی به ویژه با توجه به شبهات وسیع و گسترده بی‌رحمانه و غیرمنصفانه معاندان که فضای فکری را مورد هجوم عوامل بیماری زای معنوی قرار می‌دهند، به تخصصی‌گرایی نیاز دارد. در این مورد جدی‌ترین و مقدس‌ترین مبحث به آینده انسان مربوط می‌شود

که جدی‌ترین تهدید برای نظام‌های ظالمانه و مستکبرانهٔ حاکم بر جهان محسوب می‌گردد. بنابراین، تخصصی سازی موضوع مهدویت(عج) امری جدی و اساسی به شمار می‌آید و ضرورت تربیت فضلای شایق و وارسته‌ای که به کلیات معارف اسلامی آشنا باشند، به روش‌شناسی مطالعات و مسایل در غرب آگاه شوند، به صورت تخصصی داده‌ها و تفاسیر معارف مهدوی(عج) را بیاموزند و در آن نه تنها تخصص بلکه تبحر داشته باشند، موضوعی جدی است. به علاوه، این متخصصان نیز روان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه در سطوح مختلف کودکان، نوجوانان و جوانان باید مهارت یابند تا هر گروه متناسب با سطح مخاطبان خود به انتقال فرهنگ و معارف مهدویت همت گمارد و به نهادینه سازی آن در بینش و نگرش و کنش مخاطبان خود تلاش کند.

ج) ایجاد نظام ارزشیابی مدرسان و مبلغان مکتب مهدویت(عج)

ایجاد و احیای نظامی که به ارزشیابی دوره‌ای مدرسان و مبلغان و مداحان مکتب مهدویت(عج) که به وارسی مجدد نظام اعتقادی آن‌ها بر پایه معیارهای طلایی کتاب اللّه و عترت بپردازد و در نتیجه همیشه داده‌های اعتمادپذیر و صحیح و تفاسیر راستین از مکتب مقدس الهی مهدویت(عج) در اختیار عموم قرار گیرد و از مباحث شبهه‌زا و سست و دفاع‌های غلط بر پایه گمان و ظن پیشگیری نماید، امری ضروری است. ریشه و بنیاد چنین نظام ارزشمندی که نظارت فعال بر سلامت فکری و معنوی مردم داشته باشد، در سیرهٔ مقدس معصومین(ع) دیده شده است؛ از جمله آن می‌توان به ماجرای عرضه اعتقادات حضرت عبدالعظیم(ع) به محضر مقدس امام عصر خود حضرت امام هادی(ع) اشاره کرد.

این ماجرا حاکی از آن است که چنین نظامی در دوران ائمه هدی(ع) وجود داشته و نهادینه شده بود. حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) از امامزادگان والا مقامی است که در دوران زندگی خود توفیق درک محضر مقدس پنج معصوم(ع) را یافته و همین امر امتیاز ویژه‌ای را برای او به وجود آورده است. او که در سال ۱۷۳ هجری قمری در مدینه به دنیا آمد، دوران کودکی را در زمان امامت امام موسی کاظم(ع)، دوران نوجوانی و آغاز جوانی را در سایه امامت حضرت ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا(ع) گذرانده، دوران جوانی خود را در خدمت حضرت امام جواد(ع) بوده و دوران میانسالی و پیری خویش را در محضر حضرت امام هادی(ع) سر کرده و از اصحاب این دو بزرگوار به شمار می‌آید و احادیث فراوانی از آنان روایت نموده است. او هم چنین دوران کودکی و نوجوانی و آغاز جوانی امام عسکری(ع) را هم درک کرده، گرچه در اواخر دوران امامت امام دهم(ع) به سال ۲۵۲ هجری قمری رحلت کرده است و در زمان آن امام مفتخر به نص «انت ولینا حقاً؛ تو در واقع از دوستان و یاران مایی» شده و پس از رحلتش نیز به افتخار این کلام امام معصوم دهم نایل گردیده که «**من زار عبدالعظیم الحسنی بری کمن زار**

سیدالشهداء بکربلا» و از جانب امام دهم مرجع دینی مردم در ایران بوده است.

این شخصیت بزرگوار با آن‌که از شرافت خانوادگی و اصالت ریشه‌داری برخوردار بوده و به چهار واسطه به سبط اکبر و سید شباب اهل جنت حضرت امام مجتبی(ع) نسب می‌برد و خود صاحب تألیفاتی متعدد و عالمی ربانی بوده، هرگز خویشتن را از بازنگری و ارزشیابی دوباره در محضر ولی معصوم خدا(ع) بی‌نیاز ندانسته و ایمان خود را بر امام هادی(ع) عرضه داشته و مورد تأیید قرار گرفته است. احیای این سیره مقدس در نظام فعلی و عرضه ایمان و عقاید به محضر فقهای جامع الشرایط که صاحب ملکه معیارها و ضوابط در حوزه معرفت دینی‌اند، در یک نظام روش‌مند ارزشیابی و اصلاح به موقع آن‌ها در ایمن سازی و سالم‌سازی فضای جامعه اسلامی و پیش‌گیری از آسیب‌های معنوی از ضروریات زمان ماست. گرچه، در گذشته رسم بوده و امروز هم کم و بیش شایع است که اجازات روایتی صادر می‌شود و آن هم به نحوی در راستای همین سیره مقدس بوده است. اما ضرورت فعال سازی و بازنگری و نظارت دقیق بر آن، به صورت جدی وجود دارد تا ساختار اعتقادی و فرهنگی مردم به صورت استوار و آگاهانه‌ای در مدار قرآن و عترت قرار گیرد، در پیشامدهای زمان از تزلزل و تشکیک و عدم تعادل مصون بماند، و افکار خودرو و بی‌انضباط چون علف هرز به درخت تناور عقاید راستین آفت نرساند. البته این امر هرگز به معنی انحصارگرایی نبوده، بلکه ابتکارات را جهت‌دار و سازمان یافته می‌کند.

این مهم که همّت بلند مدیران عالی هدایت‌گر نظام فرهنگی، حوزوی و تبلیغات دینی کشور را می‌طلبد، سره را از ناسره جدا می‌سازد، عرصه را به صورت طبیعی بر منحرفان و مغرضان و دین فروشان تهی مایه تنگ می‌کند و به محو تدریجی آنان می‌پردازد، معارف راستین مهدویت(ع) را گسترش و سلامت معنوی جامعه را پا برجا می‌سازد.

غلامرضا بهروزلک : عرصه‌های مربوط به فرهنگ مهدویت را می‌توان در دو مقوله فرهنگ عمومی و فرهنگ جامعه علمی دنبال نمود. در زمینه فرهنگ عمومی می‌بایست به تلقی‌های جامعه و عموم مردم درباره مهدویت اشاره کرد. خوشبختانه در چند سال گذشته گرایش عمومی نسبت به مهدویت افزایش نسبی خوبی داشته است. مهم‌ترین نمود آن را در فرهنگ عمومی زنده و فعال شدن مراسم دعای ندبه در بسیاری از جاهای کشور دانست. هم چنین نمودهای دیگر آن را می‌توان در برگزاری همایش‌ها، سمینارها، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و اقبال عمومی رسانه‌ها و مطبوعات دانست. البته تحولات جهانی نیز در گسترش فرهنگ مهدویت مؤثر بوده است؛ شکل‌گیری و پیدایش پدیده جهانی شدن و به همراه آن هزاره گرایی در جهان و نیز بحران‌ها و ظلم و ستمی که در سراسر جهان گسترش یافته است،

همانند قتل عام مسلمانان در بوسنی، عراق و فلسطین توجه بیش‌تر مسلمانان را به مسئله مهدویت و فرج جلب نموده است.

با این وجود، در عرصه فرهنگ عمومی می‌توان هنوز خلأهایی را نیز شناسایی کرد؛ یکی از امور مهم در این عرصه نبودن آشنایی صحیح عمومی با وجود علاقهٔ وافر به فرهنگ مهدویت نسبت به اعتقادات و دیدگاه‌های صحیح در این باره می‌باشد. بسیاری از مردم هنوز دیدگاه درست و صحیحی از فرهنگ مهدویت ندارند و حتی مهم‌تر از آن می‌توان به عدم پایبندی عملی به فرهنگ مهدویت در جامعه امروز ما اشاره کرد. گرچه دوستداران حضرت مهدی بسیار زیادند و تمامی مردم مسلمان چشم انتظار ظهور فرج هستند، اما صرف اعتقاد کافی نیست. ما می‌بایست عملاً در زندگی روزمره هماهنگ و سازگار با فرهنگ مهدوی زندگی کنیم. اگر ظلم و بی‌عدالتی را نامناسب می‌دانیم باید در عمل نیز از آن دوری کنیم. به هر حال نکته کلی در این زمینه خلأ نهادینه شدن فرهنگ مهدوی در زندگی روزمره ماست. ما گاه چنان رفتار می‌کنیم که گویی منتظر امام خود نیستیم.

اما در زمینه علمی نیز خلأ مشهودی در زمینه تبیین روزآمد و علمی ابعاد مسئله مهدویت داریم. به عنوان مثال ما اخیراً مجله علمی تخصصی درباره مهدویت و مباحث مربوط منتشر می‌کنیم که به رغم تلاش محققان و دست اندرکاران این نشریات هنوز از وضع مطلوب فاصله زیادی دارد. ما نخستین دوره‌های تخصصی را در خود حوزه علمیه آغاز کرده‌ایم. ما در دانشگاه‌های خود هنوز حتی درسی به نام مهدویت نداریم. حتی ما در رشته خودمان در علوم سیاسی اخیراً قدم‌هایی را برای سازماندهی درسی به نام مباحث سیاسی مهدویت شروع کرده‌ایم که اقدامی خود جوش است و هنوز در سرفصل‌های اصلی این رشته قرار ندارد و درسی اختیاری می‌تواند تلقی شود. لذا این خلأ علمی بسیار مشهود است. البته این بدان معنا نیست که گنجینه عظیم معارف مهدوی خود را نادیده بگیریم، ولی چنان که شیخ طوسی(ره) در آغاز کتاب شریف تلخیص الشافی اظهار می‌دارد، ما می‌بایست همواره مباحث دینی ـ اعتقادی خود را به زبان روز و با آخرین دستاوردها و مطالعات ارائه کنیم و نیازهای علمی زمانه خود را مورد توجه قرار دهیم و این همان نیاز علمی جامعه ماست.

مجتبی مشیری: در زمینهٔ تعمیق فرهنگ مهدویت و استخراج ظرفیت‌های مؤثر زندگی منتظرانه ـ که نتیجهٔ آن تقویت ایمان متحرک و مسئولیت فردی و اجتماعی است ـ موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

الف) چاپ کتاب‌های سودمند و به روز در موضوع مهدویت‌شناسی تطبیقی؛

ب) ترجمه کتاب‌ها و مقالاتی که پیروان مکاتب الهی عرفانی و اشراقی در سرتاسر جهان در موضوع مهدویت نگاشته‌اند؛
پ) معرفی راه یافتگان به ساحت حضرت مهدی(عج)؛
ت) چاپ تجربه‌های امدادهای مهدوی(عج)؛
ث) چاپ مجموعه سخنان حضرت مهدوی(عج)؛
ج) تشکیل میزگردهای رادیویی و تلویزیونی تحت عنوان مسئولیت‌های انسان امروز در عصر غیبت؛
چ) تأسیس پایگاه‌های اینترنتی و معرفی سایت‌های مهدوی‌شناسی در سرتاسر جهان.

۶. انتظار: برای کاربردی کردن این فرهنگ در جامعه چه راه‌کارهایی را پیشنهاد می کنید ؟

علی‌اکبر مهدی‌پور: راه‌های بسیار فراوانی هست که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
۱. تعمیم فرهنگ مهدویت، از طریق:
۱) تألیف کتب مفید، محققانه و به قلم روز؛
۲) ترجمهٔ آثار مرجع و پایه به قلم روز؛
۳) نشر متون حدیثی، به صورت تحقیقی؛
۴) نشر آثار خوب به زبان‌های زندهٔ جهان؛
۵) تهیه مقالات علمی و نشر آن‌ها از رسانه‌های گروهی؛
۶) به کار انداختن ماهواره؛
۷) اختصاص سایت‌هایی به فرهنگ مهدویت؛
۸) پاسخ‌گویی به شبهات از طریق اینترنت؛
۹) تأسیس کتابخانه‌های تخصصی؛
۱۰) تأسیس مراکز تحقیقی ـ تخصصی؛
۱۱) تهیه فیلم، تابلو، نقاشی، جدول و دیگر آثار هنری؛
۱۲) مسابقهٔ مقاله، فیلم، و دیگر آثار فرهنگی و هنری؛
۱۳) تهیه کتاب قصه و رمان، با قلم روز، برای سطوح مختلف، به ویژه کودکان و نوجوانان؛
۱۴) تهیه سی دیِ سخنرانی‌ها، نمایشنامه‌ها و معرفی آثار مکتوب در عرصهٔ مهدویت؛
۱۵) تشویق اهل قلم، به ویژه از رهگذر چاپ آثار مکتوب آنان؛
۱۶) تأسیس مراکزی برای نشر مجلات تخصصی؛

۱۷) چاپ برچسب، تقویم، تابلو و...؛
۱۸) تشویق به تأسیس کتابفروشی مخصوص فرهنگ مهدویت در مراکز استان‌ها؛
۱۹) به راه انداختن نمایشگاه کتاب در مراکز استان‌ها؛
۲۰) تشویق جوانان به تأسیس ستادهای برگزاری جشن‌های نیمهٔ شعبان در دههٔ مبارکهٔ مهدویت.

۲. ایجاد مهر یار در دل راهیان راه، از طریق:

۱) تبیین نقش امام زمان در جهان هستی؛
۲) تشریح عنایات حضرت به دوستان؛
۳) معرفی اماکن زیارتی منتسب به آن حضرت در ایران و جهان؛
۴) سفرهای زیارتی به اماکن یاد شده، همانند مسجد مقدس جمکران قم و مسجد سهله کوفه؛
۵) شور دادن به مجالس دعای ندبه و زیارت آل یاسین؛
۶) تبیین راه رسیدن به آستانِ دوست؛
۷) تشریح موانع راه و بیان راه زدودن موانع از سر راه؛
۸) نشر کتاب‌های شامل بر وظایف منتظران در عصر غیبت؛
۹) شرح داستان کسانی که پس از تلاش و کوشش سرانجام به محضر دوست راه یافته‌اند؛
۱۰) تهیه فیلم، نمایش و قصهٔ کسانی که به محضر آن یار مهربان بار یافته‌اند.

دکتر محمد تقی آیت اللهی: الف) تربیت مدرس مهدویت(عج) متناسب با سن و جنس مخاطبان به ویژه نوباوگان، نوجوانان و جوانان و آموزش مستمر روشمند با استفاده از جدیدترین تکنیک‌های آموزشی به آنان از سطح کودکستان تا دانشگاه و با رعایت موارد پیشگفت بالا.

ب) استفاده از هنر در مداحی و... و تربیت نسلی که با استفاده بجا و ابتکاری از آن بتوانند به گسترش فرهنگ مهدویت بپردازند. به ویژه آن که با تکیه بر مکتب اهل بیت(ع) از شادی‌های مشروع روانشناسانه بهره گیرند و در ایجاد شور و عشق آگاهانه به گسترش معارف مقدس مهدوی(عج) در بین نسل نو بپردازند و جاذبه‌ها را هدفمند و سازمان یافته‌تر نمایند.

ج) بهره برداری بهینه از مجالس و محافل عمومی مهدویت(عج).

نگارنده با بررسی عینی در مذاهب مختلف شاهد بوده است که در هیچ مذهبی به اندازه مکتب تشیع در مجالس مذهبی شوق و علاقه و حوصله وجود ندارد. در هیچ مذهبی نمی‌توان مجالسی همانند دعای

ندبه آن هم در روز تعطیل و در اولین ساعات بامدادی با مدتی حداقل دو ساعت دید. این گونه مجالس منظم سرمایه بزرگی است که به برکت وجود مقدس حضرت مهدی(عج) حاصل شده و بهره برداری بهینه از دقایق و حتی ثانیه‌های آن ضروری است. اگر محتوایی که ما در مکتب اهل‌بیت(ع) داریم را حتی به میزان بسیار اندکی سایر مذاهب داشتند، قادر بودند تا فرهنگ خود را گسترش دهند و جوانان را جذب کنند. گفتنی است، در بررسی‌های خود روزی به کلیسای بتشان (Bethshan) در انگلستان رفتم و تفاوت چشم‌گیری را در میزان استقبال و شور مذهبی در این کلیسا ـ که اکثریت شرکت کنندگان آن جوان و دانشجو بودند ـ دیدم و هماهنگی و نظم خاصی را ملاحظه کردم و به دقت در محتوای دعاها و نمازهای آن‌ها تأمل کردم و شور و هیجان مذهبی خاصی را مشاهده نمودم. در علت جاذبه این کلیسا تفحص و جست‌وجو کردم و با برخی از مریدان و ارباب کلیسا جداگانه به گفت‌وگو پرداختم که در پایان به این نتیجه رسیدم که اولاً نظم موجود و مبادی آدابی خدمتگزاران کلیسا و ثانیاً مدیریت قوی کلیسا و ثالثاً محتوای علمی محفل و بالأخره استفاده مبتکرانه از هنر مذهبی و ایجاد ارتباط فعال با مستمعان از عوامل مؤثر و تعیین کننده در جاذبه قوی این کلیسا بوده‌اند. جالب آن‌که وقتی در محتوای مجلس و نمازهای آنان دقت کردم، با کمال شگفتی دیدم که برخی از فقرات دعای ندبه را شبیه سازی کرده و به مجلس خود رونق و گرمی بخشیده‌اند. اینک محتوای نمازی را که در مورد موعودی که نجات بخش است و خواهد آمد و همگی با هم در آن مجلس همخوانی کرده و هیجان مذهبی خود را بدان ابراز می‌نمودند، ارائه می‌دهم تا خواننده گرامی ببیند که چگونه آنان از ندبه ما برای خود بهره برداری بهینه می‌کنند.

گردانندگان مجالس مذهبی شیعه چه مسئولیت مقدس و سنگینی بر عهده دارند تا به تقویت سازمانی بنیادهای اصیل دینی مردم بپردازند و کلام مولای متقیان(ع) را به گوش جان بنوشند که «الحکمة ضالة المؤمن فخذالحکمة و لو من اهل النفاق؛ حکمت گم شده مؤمن است حکمت را بگیر حتی اگر از منافق باشد.»

آری به قول حافظ شیرازی:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می کرد
آن‌چه خود داشت زبیگانه تمنا می کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
خبر از گم شدگانِ لب دریا می کرد
گفتمش این دل خرم به‌تو کی داد حکیم
گفت آن‌روز که این گنبد مینا می کرد

و اینک متن دعا و نمازی که در آن روز خوانده شد:

او شاه شاهان است — King of King

بر تمام سروران او سرور است	Lord of Lords
شیر خداست	Lion of Yodah
کلام خداست	Word of God
او این جا می‌آید	and Here he comes
و با عدالت	in rightiousnous
بر جهان حکومت خواهد کرد.	rule the earth Heĺl

غلامرضا بهروزلک :برای کاربردی کردن فرهنگ مهدویت در عرصه‌های مختلف فرهنگ عمومی و جامعه علمی توجه به نکاتی لازم و ضروری است. نخستین قدم در فرهنگ عمومی، تلاش برای نهادینه کردن فرهنگ مهدویت است. نخستین کار نیز در این زمینه ترویج صحیح فرهنگ مهدوی در میان نسل جوان است. ما لازم است فرهنگ مهدوی را در مدارس و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های خود مطرح و ترویج نماییم. برای این کار یک فعالیت بسیجی وار و فراگیر لازم است.

البته ما گاه با افت دیگری نیز در زمینه فرهنگ مهدوی مواجه هستیم. به رغم شکل‌گیری نهادها و مؤسسات مختلفی که در زمینه فرهنگ مهدوی کار می‌کنند، متأسفانه هنوز هماهنگی مناسبی بین آن‌ها وجود ندارد. امکانات محدود ما با مدیریت هماهنگ مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. کارهای تکراری و موازی را می‌بایست به حداقل رسانید و از امکانات حداکثر بهره را باید برد؛ لذا من پیشنهاد می‌کنم در کشور ستادی از نهادها و سازمان‌های مختلف درگیر در مباحث و فرهنگ مهدوی تشکیل شود که دبیرخانه دائمی داشته باشند، سیاست گذاری‌های کلان توسعه فرهنگ مهدوی در آن‌جا طراحی شود و نظارت کلی بر چگونگی اجرا و پیگیری فعالیت‌های مربوط به فرهنگ مهدویت داشته باشد.

در عرصه علمی نیز، گسترش کمی ـ کیفی مراکز علمی مهدویت پژوهی لازم است. خود رشته تخصصی مهدویت لازم است نهادینه شود و به یکی از رشته‌های مهم تخصصی در حوزه علمیه تبدیل شود. سعی شود در دانشگاه‌ها و مراکز علمی دیگر نیز دروس و رشته‌های علمی مربوط به مهدویت فعال شود. مهم‌تر و آسان‌تر آن است که ما رساله‌های علمی حوزه و دانشگاه را نیز به سمت مباحث مهدویت جهت دهیم.

امید است با تلاش دوستانمان در نشریه موفق انتظار تا حدودی زمینه تبادل نظر در آسیب‌شناسی فرهنگ مهدویت فراهم شود و ما شاهد گسترش هر چه بیش‌تر فرهنگ مهدوی در جامعه خود و در سراسر جهان باشیم.

مجتبی مشیری : طرح موضوع مهدویت به عنوان یک موضوع جهانی، دغدغهٔ بشریت،

یادآوری‌های مسئولیت‌های سنگین و حساس انسان مسلمان در دورهٔ غیبت، تعیین اهمیت سرنوشت‌ساز زندگی در سایهٔ عنایت امام زنده، توجه به تقسیم‌بندی تاریخ بشر به چهار دورهٔ (از آدم تا خاتم)، نبوت (از حضرت علی تا پایان دورهٔ غیبت صغرا)، وصایت (از آغاز غیبت کبری تا عصر ظهور)، غیبت و در نهایت دوران ظهور؛ دورانی که در آن، امام غایب پس از یک انقلاب جهانی، عدالت را در جامعهٔ مستقر می‌سازد و رهبری مردم را به عهده می‌گیرد. یادآوری تکالیف و وظایف مشتاقان ظهور و ارائه چگونگی زندگی سالم و گسترش مهربانی و بخشندگی، توجه به ضعفا که مقدمه ساز ظهور آن حضرت و در نتیجه به کاربردی شدن فرهنگ مهدویت کمک خواهد کرد.

مزید توفیقاتتان را از خداوند متعال مسئلت و اطمینان دارم که در پرتو توجهات خاصهٔ حضرت بقیةاللّه(عج) بیش از پیش مؤید و موفق خواهید بود.

پی نوشت ها

۱. حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مهدی پور در سال ۱۳۲۴ هـ ش در تبریز دیده به جهان گشود. مقدمات را در زادگاه خود آموخت و به سال ۱۳۴۰ وارد حوزهٔ علمیه قم شد. بیش از ۱۰ سال در خارج فقه واصول شرکت نمود و در این مدت با قلم و دنیای اهل قلم آشنا شد. وی تا کنون بیش از ۶۰ اثر چاپ و منتشر نموده که بیش از یک سوم آن در حوزهٔ مهدویت می باشد.
از آن جمله است: او خواهد آمد، با دعای ندبه درپگاه جمعه، جزیرهٔ خضرا، راز طول عمر امام زمان(عج)، روزگار رهایی، میلاد نور، نقش امام زمان(عج) در جهان هستی، نور یزدان و یوسف زهرا(س)، که برخی از آن ها به چندین زبان زندهٔ جهان بر گردانده شده است.
او از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ متصدی امور شیعیان در استانبول بود که در این مدت بیش از ۶۰ اثر به زبان ترکی استانبولی منتشر کرد.

۲. دکتر سید محمد تقی آیت الهی، متولد ۱۳۳۱ شیراز، تحصیلات خود را تا دوره کارشناسی ارشد در زادگاه خود و دوره های دکترای آمار زیستی و فوق دکترای اپیدمیولوژی را در دانشگاه های کلمبیای آمریکا، لندن و نیوکاسل انگلستان گذرانده.
وی اکنون استاد دانشگاه علوم پزشکی شیراز است. از او حدود یک صد و پنجاه مقالهٔ علمی و شانزده کتاب به صورت تألیف، تحقیق و ترجمه منتشر شده است. وی به تاریخ تشیع به ویژه موضوع مهدویت علاقه زیادی دارد و پیش از این نیز آثاری از او در همین مجله چاپ شده است.

۳. حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک متولد ۱۳۴۷ در شهر ارومیه، شروع تحصیلات حوزوی ۱۳۶۳ در حوزه علمیه تبریز. ۱۳۶۶ تا کنون در حوزه علمیه قم، تحصیلات درس خارج حوزه و اتمام تخصصی کلام سطح ۴. دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس (در حال دفاع از رساله دکتری با عنوان: اسلام سیاسی، جهانی شدن و هویت سیاسی). عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم. عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
آثار: ترجمه کتاب زبان سیاسی اسلام اثر برنارد لوییس؛ ترجمه کتاب دین در عرصه عمومی از آئودی و والترستروف؛ تألیف مقالات متعدد از جمله: مهدویت و جهانی شدن، سیمای حکومت جهانی حضرت مهدی(عج)؛ مهدویت و زندگی سیاسی معاصر؛ کلام سیاسی شیعه؛ چیستی کلام سیاسی؛ و...

۴. مجتبی مشیری متولد ۱۳۳۶ تهران؛فعالیت های فرهنگی و هنری به ویژه در صدا و سیما بعد از انقلاب فرهنگی؛ مدیر و موسس شبکه چهار سیما و مدیر شبکه یک و دو؛ مدیریت موسسه‌های تلویزیونی ـ سینمایی بنیاد جانبازان؛ همکاری با بخش های مختلف معاونت سینمایی وزارت ارشاد؛ وی هم اکنون رییس مرکز فرهنگی و هنری صبا می‌باشد.

۱. اعراف: ۷۱ و یونس: ۲۰ و ۱۰۲.